برنامه سمت خدا  
موضوع برنامه: هنر خوب زیستن  
كارشناس: حجت الاسلام والمسلمين لقمانی  
تاريخ پخش: 01-06-96  
بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین  
شریعتی: سلام می‌کنم به همه دوستان عزیزم، خانم‌ها و آقایان، بیننده‌ها و شنونده‌های بسیار گرانقدرمان. اول ذی الحجه، سالروز ازدواج و پیوند آسمانی امیرالمؤمنین علی (ع) و حضرت فاطمه زهرا(س) را تبریک می‌گویم. برای همه مردم ایران، مخصوصاً زوج‌های جوان آرزوی خوشبختی و سعادتمندی می‌کنیم. این عید بر شما مبارک باشد و انشاءالله بهترین‌ها برای شما رقم بخورد. یک سری به مدینه بزنیم چون یکی از کارشناس‌های خوب ما آنجا هستند و دعاگوی همه سمت خدایی‌ها هستند.  
حاج آقا ماندگاری: بسم الله الرحمن الرحیم. اللهم صلی علی محمد و آل محمد. به همه شما سمت خدایی‌های عزیز سلام می‌کنم. به همه شمایی که واقعاً برای شما دعا می‌کنیم که انشاءالله شما را در این سرزمین ببینیم. انشاءالله این سفر نصیب همه شما بشود. انشاءالله بیایید و اینجا را درک کنید و از اینجا برای رفتن به بیت الله الحرام آماده شوید. برای همه مریض‌ها و گرفتارها دعا می‌کنیم. آنهایی که بچه می‌خواهند، آنهایی که همسر خوب می‌خواهند، شغل آبرومند می‌خواهند. آنهایی که زندگی همراه با سعادت می‌خواهند، آنهایی که عاقبت بخیری می‌خواهند. آنهایی که رزق واسع می‌خواهند. آنهایی که نصرت اسلام و مسلمین را می‌خواهند. آنهایی که سربلندی اسلام را می‌خواهند. آنهایی که امنیت این مملکت را می‌خواهند. آنهایی که علو درجات امام و شهدا را می‌خواهند. برای همه دعا می‌کنیم.  
شریعتی: این هم عیدی ما به مخاطبین برنامه و عیدی حاج آقای ماندگاری در سالروز ازدواج آسمانی حضرت فاطمه (س) و حضرت علی(ع)، به همه ما بود. انشاءالله این سفر نوش جانشان باشد و برای ما دعا کنند. امروز در خدمت یکی از بزرگواران و عزیزانی هستیم که سالها با دانشگاهیان و جوان‌ها ارتباط داشتند و افتخار دادند امروز جلسه ما را مزین کردند. قرار است که روزهای چهارشنبه ما مزین به حضور ایشان باشد. خیلی خوشحال هستم که امروز در خدمت حاج آقای لقمانی عزیز هستیم. سلام علیکم و رحمة الله، خیلی خوش آمدید.  
حاج آقای لقمانی: بسم الله الرحمن الرحیم. بنده هم صمیمانه عرض سلام خدمت شما و همه بینندگان عزیز دارم و از صمیم دل این روز را تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.  
شریعتی: ما خیلی خوشحال هستیم که روزهای چهارشنبه در خدمت شما هستیم و به واسطه تعاملی که با جوان‌ها و دانشگاهیان داشتید، به نظر می‌رسد که روزهای پرباری را در محضر شما داشته باشیم. مشتاق هستیم که بدانیم روزهای چهارشنبه قرار است چه مباحثی را از شما بشنویم؟  
حاج آقای لقمانی:  
به به از پیوند یاس و نسترن \*\*\* هم حسین اینجا شکوفد هم حسن  
چهارده آیینه پاک و صیقلی \*\*\* یازده آیینه از نسل علی  
من به فال نیک می‌گیرم که شروع همکاری ما با این برنامه بسیار مخاطب با این روز عزیز شروع شده است. یکی از موضوعاتی که بنده طی سالیانی که با گروه‌های مختلف بودم و می‌بینم که جای آن در محافل خالی است، بحث هنر خوب زیستن است. گاهی یک سخن آنچنان گرما و انرژی به انسان می‌دهد که شصت سال انسان را گرم نگه می‌دارد.  یعنی شصت سال احیا می‌کند. گاهی می‌گوید: اگر این جمله را چهارده سالگی می‌دانستم زندگی من مسیر دیگری پیدا می‌کرد. گاهی بعد از هفتاد سال به گذشته نگاه می‌کند و می‌بیند سوخته است. تهی و پوچ است. افرادی که با الگوهای والا سر و کار دارند این ویژگی را پیدا می‌کنند و زود تغییر مسیر می‌دهند. این هنر خوب زیستن کاری به بی‌سواد و کم سواد و پر سواد ندارد. از سه سالگی تا 103 سالگی شامل همه می‌شود. استثناء هم ندارد. یعنی گاهی موضوعاتی که مطرح می‌شود، انسان شکفته می‌شود. زنده و بالنده می‌شود. اما وقتی که انسان این هنر را نداند و بلد نباشد، هنر یعنی دانایی و زیبایی! هم انسان از ماوراءالطبیعه بداند. از آن طرف برایش امدادهایی بیاید و بفهمد دارد چه می‌کند. این هنر است.   
دلم می‌خواهد با یک داستان شروع کنم که به اندازه ده جلد کتاب ارزش اخلاقی و کاربردی دارد. دهه هفتاد شمسی در ایران، یکی از چهره‌های به نام که در رژیم قبل سی سال سابقه سیاسی داشت در بیمارستان بستری شد. حزب توده مشغول بود. دو هفته قبل از مرگش زن و بچه‌اش را صدا زد و گفت: می‌خواهم وصیت کنم. گفتند: چه می‌خواهی وصیت کنی؟ گفت: الآن هوشیاری من صد در صد است. می‌خواهم وصیت کنم که اگر موقع رفتن هوشیاری‌ام را از دست دادم، قلب، کلیه، کبد و اعضای بدنم که مفید است به بدن یک انسان صالح پیوند بزنند. بیست سال قبل کادر اهدای اعضاء نبود. گفتند: بسیار خوب، سر اصل مطلب برویم. چه می‌خواهید وصیت کنید؟ کجا شما را دفن کنیم؟ گفت: بدنم را به باغ وحش تهران ببرید. به رئیس باغ وحش بدهید. در قفس یکی از حیوانات درنده بیاندازد. تعجب کردند!!! گفت: در این دو هفته که در بیمارستان بودم نگاهی به گذشته کردم، هیچ برای عرضه به خدا ندارم. همه هیاهو برای هیچ بود! نمی‌دانستم باید چه کنم و هنر خوب زیستن را بلد نبودم. شاید موقع مرگم بدنم به درد یک حیوان درنده بخورد. هفتاد سال سوخته است.  
قرآن یک آیه دارد که قلب بعضی‌ها را روز قیامت باز می‌کند. «وَ أَفْئِدَتُهُمْ‏ هَواءٌ» (ابراهیم/43) پر از خالی است. هیچی درونش نیست. صبح تا شب مشغول این است که قد فلانی چقدر است؟ شماره پیراهن دروازه بان چلسی چند است؟ آخر هم دستت خالی است. خدا سید حسن نصر الله را حفظ کند. آیت الله جوادی آملی فرمود: در نمازهایتان به ایشان دعا کنید. ایشان یک جمله طلایی دارند. فرمودند: هر زنی که در خیابان‌های لبنان در کمال امنیت و آرامش قدم می‌زند مدیون شهید حاج حسن تهرانی مقدم است. پدر موشکی ایران! در یمن حاج حسن، در غزه حاج حسن، در سوریه حاج حسن! چقدر باید خوب زندگی کرده باشی و هنرمند باشی. حضرت امام(ره) فرمود: شهادت هنر مرد است. خوب زیستن و خوب ماندن! مقام معظم رهبری جمله‌ای دارند که فوق العاده است. تقاضا می‌کنم این جمله را یادداشت کنید و صبح به صبح جایی باشد که چشم شما به آن بیافتد. فرمودند: تقوایی که از بشر خواستند آن است که راه را گم نکند. هدف را فراموش نکند و مسیر را رها نکند.  
بنده و شما دوره نوجوانی نمازهایمان خیلی باحالتر از الآن بود. ذکرهای ما، سحرخیزی‌های ما بهتر بود. چرا بزرگتر می‌شویم به تعبیر امیرالمؤمنین این صافی و زلالی کم می‌شود؟ گاهی نمازهای شب ما هم نماز روز است. داریم محاسبه روزمان را می‌کنیم. دیدارهای ویژه‌ای که افراد با حضرت آقا داشتند، مرتب ایشان توصیه می‌کنند یک وقت ویژه برای گفتگوی با خداوند قرار بدهید. پدر یکی از شهیدان عزیز گفتند: همه به من می‌گویند: خوش به حال شما! نه، او کار خودش را کرد. من باید مراقب باشم! این هنر خوب زیستن است. انسان چه کند پشیمان نشود. برای این هنر، آموزه‌های دینی دو راه را بیان کردند. یکی اصول و یکی اسوه است. اصول چیست؟ تمام «یا بنی آدم» های قرآن! «یا ایها الذین آمنوا»‌ها، «انما المؤمنون، عباد الرحمان» ما در برنامه سمت خدا مخاطب بی سواد و کم سواد نداریم. یا با سواد هستند یا پر سواد! ممکن است مدرک نداشته باشند ولی درک دارند. آیات آخر سوره فرقان را مطالعه کنید. دوازده ویژگی را بیان می‌کنند. «وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ‏ عَلَى الْأَرْضِ هَوْناً» (فرقان/63) به قدری من از این آیات انرژی گرفتم، بندگان خوب خدا چه کسانی هستند. وقتی در جامعه گفتگو می‌کنند یک منشور نورانی، راهگشا.   
شریعتی: شاید این روزها خیلی عنوان سبک زندگی هرجایی دیده شود و شاید غرب خودش را سردمدار بیان زندگی بداند ولی با نکاتی که گفتید احساس می‌کنم قرآن کریم تکلیف ما را در هزار و اندی سال پیش روشن کرده و سبک زندگی را به ما ارائه کرده است. سوره فرقان و آیات پایانی‌اش اوج بیان الگوی سبک زندگی برای همه ما هست.   
حاج آقای لقمانی: حضرت علی(ع) 1400 سال قبل فرمودند: «العلم سلطانٌ». دوم اسوه است. کسانی که اصول را بر زندگی عملیاتی و اجرایی کردند، ما با آنها گفتگو می‌کنیم. ما شهداء و معصومین را مرده نمی‌دانیم. «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ‏ الصَّلاةَ» بعد می‌گوید: شهادت می‌دهم شما ما را می‌بینید. «تشهد مقامی، تسمع کلامی، تَرُّد سلامی» اسوه چه کسانی هستند؟ کسانی که برای زندگی ما نمونه هستند. لذا شما می‌بینید که زندگی‌نامه‌ها پر مخاطب است. مرحوم پروفسور حسابی، دکتر چمران، حضرت امام، آیت الله بهجت، آیت الله بهاء الدینی. من با آیت الله بهاءالدینی چندین بار محشور بودم چون «آیات بصیرت» را من نوشتم. یکبار من با ایشان و با یک نفر دیگر بودیم. من یک سؤال کردم. گفتم: وضعیت آمریکا مثل شوروی می‌شود؟ گفتند: حتماً. چیزهایی که ایشان می‌دانستند و می‌گفتند: فوق العاده بود. آقای صیاد شیرازی دو سال قبل از شهادت به ایشان التماس دعا داشتند که من نمیرم و شهید شوم. یکبار که ایشان داشتند می‌رفتند، به آیت الله بهاءالدینی التماس دعا گفتند. گفتند: آقای صیاد ناراحت نباشید. ما نور شهادت را در چهره شما می‌بینیم.  
آن کس که چو سیمرغ بی نشان است \*\*\* از رهزن ایام در امان است  
آن زنده که دانست و زندگی کرد \*\*\* در پیش خردمند زنده آن است  
ما مردگی می‌کنیم نه زندگی! اگر نفس یکی از این بزرگان‌ و اسوه‌ها به ما بخورد. چرا شیعه اینقدر بالنده است؟ اینها الگو  دارند؟ چرا حضرت آقا شهید حججی را فرمود: حجت برای ملت ماست! اسوه‌ها فوق العاده هستند. نفس یکی از این اسوه‌ها به ما بخورد، انسان احیاء می‌شود. یکی از این اسوه‌ها فاطمه زهرا(س) است. در قرآن می‌فرماید: «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/21) نسبت به پیامبر می‌فرماید. گاهی من اسوه دارم ولی اندامش را دوست دارم. موهایش را دوست دارم. ولی اسوه حسنه یعنی دنیا و آخرت. اسوه حسنه که تو را به حیات طیبه برساند. حیاتی که پاکیزه است. امیر آفرینش و سپه سالار هستی، حضرت مهدی(عج) یک جمله‌ای دارند. «فِی ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ لِی أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (الغیبة، شیخ طوسی، ص286) در دختر رسول خدا برای من اسوه حسنه است. بیش از هجده بهار از زندگانی فاطمه زهرا نگذشته بود. حضرت مهدی به حسب ظاهر و عقل ناقص ما باید حضرت نوح را معرفی می‌کرد. 950 سال عمر تبلیغی، حضرت ابراهیم که پدر انبیاء است. ولی چه چیزی در وجود این بانو بوده که با این هجده بهار از زندگی الگوی بشریت جامعه موعود جهانی حضرت زهرا می‌شود. فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین فوق العاده هستند.  
حضرت امام(ره) جمله‌ای دارند که بنده طلبه اعتقاد دارم اگر غیر از امام از دو لب مبارک امام صادر می‌شد، خرده می‌گرفتم. فاطمه زهرا زنی بود که اگر مرد بود نبی بود. اگر مرد بود رسول الله بود. زنی به تمام معنا زن، انسانی به تمام معنا انسان. ما بچه شیعه‌ها حضرت زهرا را فقط بین در و دیوار، غصه و گریه! در حالی که فاطمه زهرا زنده و ارزنده برای امروز ما است. حضرت زهرا در اوج شادی با حضرت علی شوخی می‌کردند. بعضی از ما فکر می‌کنیم فقط از صبح تا شب زیارت عاشورا می‌خواندند و گریه می‌کردند. حضرت زهرا سر به سر حضرت علی می‌گذاشتند. ما این را نمی‌دانیم. خودشان را آرایش می‌کردند. از شعر برای تربیت فرزندان استفاده می‌کردند. در خانه‌ای که شعر باشد دانش است. شعر معماری خیال انگیز کلمات است.   
در شعر سه تن پیمبرانند هرچند که لا نبی بعدی \*\*\* اوصاف قصیده و غزل را، فردوسی و انوری و سعدی  
شعر فوق العاده است. حضرت علی یک جمله دارند: «کنا کزوج حمامة» آنهایی که ادعا می‌کنند ما می‌توانیم جهان را شاد کنیم، با نشاط کنیم، فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین در اوج فقر و نداری، اما فرمود: «کنا کزوج حمامة في أيكة متمتعين بصحة و شباب‏» من و زهرا مثل دو کبوتر در یک لانه بودیم. با نشاط و خوش و علاقه‌مند به هم بودیم. از جوانی‌مان بهره می‌بردیم. وقتی صبح عروسی پیامبر آمدند حضرت علی و فاطمه را ببینند، حضرت علی نعوذ بالله نگفتند: چشم و ابرویشان خوشگل بود! اندامشان اینطور بود! «نعم الآن علی طاعة الله» این هنر خوب زیستن است که لذت‌های زندگی را انسان داشته باشد و نگاه به ابدیت داشته باشد. بسیاری از خانواده‌ها فکر می‌کنند اگر می‌خواهند خوش و شاد باشند حتماً باید پرده دری کنند. اینطور نیست! من یک جمله‌ای می‌گویم که تمام مستحبات و واجبات به انسان نشاط می‌دهد. با نشاط ترین افراد مؤمن ترین افراد هستند. محال است یک مؤمن افسرده باشد. فکر خودکشی به ذهنش بزند! تمام محرمات و مکروهات نشاط را از انسان می‌گیرد. ممکن است قهقهه بزند اما مسرور نیست. نشاط یک حالت درونی است، سر است.  
یا رب چه خوش است بی دهن خندیدن \*\*\* بی منت دیده خلق عالم دیدن  
بنشین و سفر کن که به غایت نیکوست \*\*\* بی منت پا گرد جهان گردیدن  
بعضی‌ها هستند صبح تا شب یک قهقهه و یک لبخند نمی‌زنند. اما اینقدر با نشاط هستند، «جهانی است بنشسته در گوشه‌ای» اینها وقتی از دنیا می‌روند از شمار دو چشم یک تن کم و از شمار خرد هزاران بیش! چه چیزی در زندگی اینها بوده است؟ اول آرمان گرایی، هدف را فراموش نمی‌کنند. ما بسیاری را داریم تا مریض می‌شوند خدا! فقیر می‌شوند، خدا! تا وضعشان خوب می‌شود دوباره برمی‌گردند. موسمی، فصلی، احساسی و هیجانی، اما خود فاطمه زهرا چقدر با نشاط بودند. قهرمان سازی فاطمه زهرا(س). در بعضی خانواده‌ها مادر به بچه‌ها می‌گوید: درس بخوانید مثل پدرتان نشوید. یا پدر می‌گوید: ما که هیچ... ولی فاطمه زهرا از پدر برای فرزندان قهرمان سازی می‌کنند. می‌فرمود: حسن جان! مثل پدرت علی باش! ریسمان از گردن حق بردار. خوب باش، مبادا سستی و بی حالی کنی! «انما انت عدد ایام» تو به اندازه تعداد روزهای عمرت ارزش داری. حضرت زهرا استفاده از خط می‌کردند، خوشنویسی می‌کردند. کشتی بین امام حسن و امام حسین، شوخی کردن با همسر داشتند. امام حسین کوچک بودند و روی زانوی امیرالمؤمنین بودند. فاطمه زهرا بالای سر حضرت علی آمدند. یک  جمله گفتند. حضرت علی شروع به خندیدن کردند. «انت شبیه بابی لست شبیه بعلی» تو شبیه پدرم هستی و شبیه پدرت نیستی. حضرت شروع به خندیدن کردند.  
در یک از مدارس، رفتند بچه را ابتدایی ثبت نام کنند. تا پدر و مادر در دفتر می‌آمدند، مدیر مدرسه خیلی فرهیخته بود. به پدر و مادر گفت: بی زحمت شما بیرون باشید. بعد جلو آمد و گفت: پدر و مادرت در منزل چطور با هم حرف می‌زنند؟ وقتی یک جمله این کودک بگوید، معلوم می‌شود زندگی اینها چگونه است؟ حالا حضرت علی، فاطمه زهرا را چطور صدا می‌زدند؟ «حبیبتی» عشق من! اینها برای ما الگو هستند. یک روز پیامبر منزل حضرت علی بودند. فرمود: فاطمه جان! علی چه وقت می‌آید؟ فرمود: چند دقیقه دیگر می‌آید. فرمود: چرا لباس خوب نپوشیدی؟ ما یک بحثی داریم به نام تراژدی قرن! اتاق خواب، اگر عمل زناشویی به طور کامل انجام شود تمام سلول‌های بدن آرامش پیدا می‌کند. فوق العاده است و این ازدواج در روز عید امروز عبادت است. ما فکر می‌کنیم شهوت‌رانی است. روزی پیامبر به اباذر فرمودند: با همسرت باش تا ثواب ببری. اباذر یار صمیمی پیامبر تعجب کردند. وقتی شما فرزند را می‌بوسی یک حسنه دارد. اما اگر کسی دست همسرش را بگیرد ده حسنه دارد و ده گناهش محو می‌شود. هم مداد است و هم مداد پاک کن است. او را ببوسد صد حسنه دارد و صد سیئه پاک می‌شود. کنار او برود هزار حسنه دارد و هزار سیئه پاک می‌شود. فرشتگانی که بالای سر این دو هستند طلب مغفرت می‌کنند به تعداد موهای بدنشان، آمرزش و رحمت و غفران است و نشاط پیدا می‌کنند. از این طرف خدای نکرده زنا کند، شش گناه دارد. 1- چهره سیاه می‌شود. 2- عمر کوتاه می‌شود. 3- فقیر می‌شود. در قیامت مورد رحمت قرار نمی‌گیرد. خلود و عذاب ابدی دارد. مسکن یعنی چه؟ محل سکونت، همسر، همسری که آرامش داشته باشد. «لِتَسْكُنُوا إِلَيْها» (روم/21) نام خدا سکونت، «لتطمئن» ببینید اینها چقدر مهندسی شده و طرح‌هایش چقدر زیباست. این هنر خوب زیستن است. انشاءالله خدا این هنر را نصیب همه ما بکند.       
شریعتی: نکات خوبی را شنیدیم که شاید کمتر هم گفته شده و کمتر شنیده شدن این مطالب از تریبون‌ها و رسانه و مساجد، وقتی الگوهای به این خوبی و نازنینی داریم حیف است از آنها دور بمانیم و در مسیر دیگری حرکت کنیم. از این هفته روزهای چهارشنبه خدمت حاج آقای لقمانی هستیم. آرزو می‌کنیم باز هم روی ماه حاج آقای ماندگاری را ببینیم. انشاءالله به زودی زود شاهد حضور ایشان در برنامه سمت خدا باشیم. روزهای پنج شنبه در ماه ذی الحجه برنامه ما مزین به حضور آقای دکتر رفیعی نازنین خواهد بود. امروز صفحه 55 قرآن کریم آیات 38 تا 45 سوره مبارکه آل عمران در سمت خدا تلاوت خواهد شد. ثواب تلاوت این آیات را به روح بلند و آسمانی امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا(س) هدیه کنیم و انشاءالله از ثواب و برکاتش بهره‌مند شویم.  
«هُنالِكَ دَعا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعاءِ «38» فَنادَتْهُ الْمَلائِكَةُ وَ هُوَ قائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيى‏ مُصَدِّقاً بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَيِّداً وَ حَصُوراً وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِين‏ «39» قالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلامٌ وَ قَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَ امْرَأَتِي عاقِرٌ قالَ كَذلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ ما يَشاء «40» قالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزاً وَ اذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيراً وَ سَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكار «41» وَ إِذْ قالَتِ الْمَلائِكَةُ يا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفاكِ عَلى‏ نِساءِ الْعالَمِين‏ «42» يا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِين‏ «43» ذلِكَ مِنْ أَنْباءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ ما كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَ ما كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُون‏ «44» إِذْ قالَتِ الْمَلائِكَةُ يا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِين‏ «45»  
ترجمه: در اين هنگام زكريّا (كه اين همه كرامت و مائده آسمانى را ديد) پروردگارش را خواند و گفت: پروردگارا! از جانب خود نسلى پاك و پسنديده به من عطا كن كه همانا تو شنونده دعائى. پس درحالى كه زكريّا در محراب به نماز ايستاده بود، فرشتگان او را ندا دادند كه خداوند تو را به (فرزندى به نام) يحيى بشارت مى‏دهد كه تصديق كننده‏ى (حقّانيت) كلمة اللّه (حضرت مسيح) است و سيّد و سرور، و خويشتن‏دار (از زنان) و پيامبرى از صالحان است. (زكريّا) گفت: پروردگارا! چگونه براى من پسرى خواهد بود، در حالى كه به پيرىِ رسيده‏ام و همسرم نازاست؟! (خداوند) فرمود: اين چنين خداوند هر چه را بخواهد انجام مى‏دهد. (زكريّا) گفت: پروردگارا! براى من نشانه‏اى قرار ده (تا علم من به يقين و اطمينان تبديل شود. خداوند) فرمود: نشانه‏ى تو آن است كه تا سه روز با مردم سخن نگويى، مگر از طريق اشاره. (البتّه به هنگام ذكر خدا زبانت باز مى‏شود. پس) پروردگار خود را (به شكرانه‏ى اين نعمت) بسيار ياد كن و هنگام شب و صبح او را تسبيح گوى. و (بياد آور) هنگامى را كه فرشتگان گفتند: اى مريم! همانا خداوند تو را برگزيده وپاك ساخته وبر زنان جهانيان برترى داده است. اى مريم! (به شكرانه اين همه نعمت،) براى پروردگارت خضوع كن و سجده بجاى آور و با ركوع كنندگان ركوع نما. اينها از خبرهاى غيبى است كه ما به تو وحى مى‏كنيم، حال آنكه تو نزد آنان نبودى، آنگاه كه قلم‏هاى خود را (براى قرعه كشى) مى‏افكندند تا (به وسيله قرعه معلوم شود كه كدام‏يك) كفالت مريم را بر عهده بگيرد ونزد آنها نبودى آنگاه كه (براى گرفتن سرپرستى مريم) با هم كشمكش مى‏كردند. (بياد آور) آنگاه كه فرشتگان گفتند: اى مريم! همانا خداوند تو را به كلمه و نشانه‏اى از سوى خويش به نام مسيح، عيسى پسر مريم، بشارت مى‏دهد. او كه در دنيا و آخرت آبرومند و از مقرّبان است.  
شریعتی:   
وای وقتی می‌رسد دریا به دریا دیدنی است  
ماه در امواج دریا دیدنی تر می‌شود  
قدر زهرا با علی فهمیدنی تر می‌شود  
امروز بر شما مبارک باشد. حاج آقای لقمانی اشاره قرآنی را بفرمایند و حسن ختام فرمایشات ایشان را به اتفاق می‌شنویم.  
حاج آقای لقمانی: آیه 38 سوره آل عمران «هُنالِكَ دَعا زَكَرِيَّا» حضرت زکریا از پروردگار خواست «رَبَّهُ قالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً» آن روز، روز ازدواجش بود. بعضی از خانواده‌ها هستند، می‌گویند: بیست سال است برای این موضوع دعا می‌کنیم «ان الله یحب الملحین فی الدعاء» خدا اصرار کنندگان دعا را دوست دارد. علامه مجلسی که این برنامه مزین به نام ایشان است، پدر در نیمه شب مشغول نماز شب بود. به او الهام شد یک دعای مستجاب داری. پسر در گهواره گریه کرد. در حق بچه دعا کرد. و او علامه مجلسی شد! «ذریه» نسل، فرزند. به عروس و داماد التماس دعا بگوییم. یعنی ازدواج مقدس است. همین عمل زناشویی آداب دارد. این بحث دعا است که قرآن ساعد است.  
مورد بعد ذریه، نسل، حتماً طیبه باشد. ما چندین واژه طیبه داریم. «بَلْدَةٌ طَيِّبَة» (سبأ/15) شهر آباد، بعضی‌ها نور از دهانشان خارج می‌شود، بعضی‌ها عقرب، کلمات و واژه‌ها، یک جمله‌ای هست فوق العاده عجیب است. خداوند بهشت را حرام کرده «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَي كُلِ‏ فَحَّاشٍ‏ بَذِي‏ء» (کافی/ج2) بهشت حرام است بر چشمی که از حرام پر شده است. شبکه‌های اجتماعی، عکس‌ها و فیلم‌ها، گاهی چشم‌ها و دلها طیب است. زمینه وجود طیب است. در روایت داریم اگر حاجتی دارید نزد کسانی بروید که چهره نورانی دارند. طیب النفس، بعضی هستند نفسشان شفاء است. «ذریة الطیبه» یک ذریه طیبه را مثال بزنم. مرحوم شهریار شعری دارند.  
به جز از علی که آرَد پسری ابوالعجایب \*\*\* که علم کند به عالم شهدای کربلا را  
واژه‌ها و عبارات چقدر زیباست. یکی دیگر از موارد ذریه طیبه که در کشور ما تمام دلها برای ایشان حسینی شد، شهید محسن حججی است. در اصفهان یک حسینیه است که چهل شب روضه دارد. وقتی اسیر شد و بعد هم شهید شد، ایشان جزء خادمان این جلسه بود. مطلبی بگویم که هیچ کدام از بیننده‌ها نشنیده‌اند. به مسئول حسینیه زنگ زدم. گفتم: ایشان است، گفتند: بله! دو سال ایشان خادم اینجا بودند. سپاهی بود، پنجاه کیلومتر می‌آمد در حسینه بود، دوباره شب به نجف آباد برمی‌گشت. ایشان گفتند: تا ما خواستیم ایشان را پذیرش کنیم، تا چهره‌اش را دیدیم، ما را گرفت. دیدیم چیزی کم ندارد! محسن دو نکته گفت. گفت: حاجی مرا پشت بگذارید که در دید نباشم! نمی‌خواهم در ویترین باشم دیده بشوم. هرچه کار سخت هست به من بدهید که در این حسینیه انجام بدهم. گاهی خسته و هلاک ساعت یازده شب پشت ماشین می‌نشست که به نجف آباد برگردد. می‌گفتند: آقا محسن ببخشید خیلی خسته شدید. ایشان می‌گفت: حاجی اینها کار نیست. برای امام حسین فقط باید سر داد.   
به جز از علی که آرَد پسری ابوالعجایب \*\*\* که علم کند به عالم شهدای کربلا را  
وقتی با پسرش صحبت می‌کند و وصیت می‌کند، می‌گوید: علی جان! بعضی از چیزها خیلی خوب است. فرزند خیلی خوب است. زندگی خیلی خوب است ولی خیلی خوبترش این است که زینب کبری از من راضی باشد.  
روشنی صبح بدون شبی \*\*\* حیدر کراری اگر زینبی  
خواست که غم دست تو بندد ولی \*\*\* غم که بود در بر دُخت علی؟  
ای دل دریا، دل دریای تو \*\*\* عرش خدا منزل و مأوای تو  
آنچه تو کردی به صف کربلا \*\*\* کرده‌ی مخلوق بود یا خدا  
این همه خون دیدن و چون گل شدن \*\*\* دشت خزان دیدن و بلبل شدن  
دیدن خورشید ذبیح از قفا \*\*\* باز ستادن چون فلک روی پا  
جان تو گلخانه‌ی لطف خداست \*\*\* جای چنان چون تو زنی کربلاست  
خانم آقا محسن می‌گوید: وقتی عکس محسن همه جا پخش شد، به من اصرار کردند نگاه نکن. گفتم: نه! من عزیزتر از زینب کبری نیستم که سر بریده برادرش را دید. محسن می‌خواست در حسینیه دیده نشود. خدا گفت: حالا که می‌خواهی دیده نشوی من به کل عالم تو را نشان می‌دهم. همه جا عکسش هست. خدا گفت: تو دردانه‌ی من هستی. این هنر خوب زیستن است. محسن حججی 25 ساله بود.  
شریعتی: شهید آوینی فرمود: هنر آن است که بمیری پیش از آنکه بمیرانندت و منشأ حیات آنانند که اینگونه زیسته‌اند.  
حاج آقای لقمانی: مقام ایشان به کجا می‌رسد که ولی امر مسلمین، نایب امام زمان ایشان را حجتی برای ما می‌دانند. سردار سلیمانی می‌گویند: آرزو می‌کنم مثل محسن شهید شوم. شهادت هنر مردان خداست. هنرمندترین افراد اینها هستند. می‌فهمند در زندگی چه کنند. گاهی هم یک نفر از صبح فکر بِرند و مد و گوشی موبایل است.  
شریعتی: خدا کند همیشه با خط کش قرآن و اهل بیت جلو برویم و از اسلام و علما و آنهایی که کار کردند مدد بگیریم و راه را گم نکنیم.  
حاج آقای لقمانی: امروز روز ازدواج و روز خانواده است، بهترین هدیه‌ای که پدر و مادر می‌توانند به فرزندانشان بدهند، تمام انبیاء آمدند همین مطلب را به ما یاد بدهند که شما حیف هستی. این سود نیست که هفت ساعت دور هم باشید. هر لحظه که می‌دهید در مقابل چیزی برای خودتان بگیرید. یک سبحان الله میزان اعمال انسان را پر می‌کند. یک «لا اله الا الله» بین زمین و آسمان است. پیامبر فرمود: دو رکعت نماز در دل شب بهتر است از دنیا و آنچه در دنیا است. چند تا ویلا! الآن فرصت هست، الآن که می‌توانید و دست تو است. چرا بازیگوشی می‌کنی؟  
شریعتی: امروز خیلی نکات خوبی را شنیدیم. دعا بفرمایید و آمین بگوییم.  
حاج آقای لقمانی: خدایا به حق محمد و آل محمد هنر خوب زیستن را نصیب همه ما بفرما.  
شریعتی: امروز روز اول ماه است، نماز و صدقه در این ماه فراموش نشود.